

## بررسی زیبایی‌شناسی از دیدگاه فیلسوفان و منابع اسلامی

پوهنیار عبدالحق نوری

استاد پوهنتون بلخ

[ah\\_n786@yahoo.com](mailto:ah_n786@yahoo.com)

### چکیده

زیبایی یکی از مفاهیم سه‌گانه ایست که قضاوت‌های ارزشی به آنها منسوب می‌شوند. کانت (فیلسوف بزرگ آلمانی ۱۷۲۴-۱۸۰۴م) می‌گوید: زیبایی چیزی است که خشنودی نفس را بدون تصور بر می‌انگیزد یا به عبارت دیگر زیبایی آن چیزی است از دیدن آن بدون در نظر داشت منفعتی احساس خوشی و لذت بما دست می‌دهد. نسبت زیبایی و زشتی به انفعال به مانند نسبت خیر و شر به فعل و نسبت حق و باطل به عقل است. زیبایی مترادف با حسن و نیکویی است که به معنای تناسب و هماهنگی بین اجزای یک شیء می‌باشد. در کتاب حدیث (مسلم شریف) آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» یعنی، خداوند (جل جلاله) زیباست و زیبایی را دوست دارد. در ضمن، آیات و نشانه‌های الهی با یادآوری مظاهر زیبایی در آفرینش از انسان می‌خواهد تا با توجه به جلوه‌های خلقت وجودی، ستایشگر آفریننده آنها شود و بداند که زیبایی خلقت انسان، زمین، آسمان، ستاره‌گان و ... همه او را به سوی خداوند (جل جلاله) دعوت و رهنمون می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: انسان، زیبایی، زیبایی‌شناسی، طبیعت، هنر

## مقدمه

زیبایی‌شناسی که شاخه‌ای از علم فلسفه است، مطالعه و دانستن آن برای هر مطالعه‌گری به خصوص هنرمندان و کسانی که در حوزه هنر فعالیت دارند لازم و ضروری است. این ضرورت زمانی بیشتر احساس می‌شود که کسی بخواهد مطلبی بنویسد، کتابی تألیف کند، اثر هنری خلق کند، معماری و نجاری کند، فضای داخل خانه‌اش را آراسته کند و حتی موهایش را شانه بزند، یا حتی وقتی کسی که از پنجره خانه‌اش به منظره و چشم‌انداز طبیعی بیرون نگاهی بیاندازد، متوجه نقش زیبایی و زیبایی‌شناسی در زندگی خواهد شد. از اینرو زیبایی بخشی از زندگی است. البته ما دو نوع زیبایی داریم: ۱. زیبایی طبیعی. ۲. زیبایی هنری. در مقاله‌ی حاضر که بر روش تحقیق کتابخانه‌ای استوار است، سعی می‌شود تا به شکل علمی در باره هر دو نوع زیبایی بحث و بررسی صورت بگیرد که بدون شک آراء و نظریات فیلسوفان غربی و اسلامی در رابطه به زیبایی‌شناسی و هنر مد نظر گرفته خواهد شد.

آنچه بیشتر مطمح نظر می‌باشد، این است که دانشمندان اسلامی با اتکاء به متون دینی در مورد زیبایی، زیبایی‌شناسی و هنر اظهار نظر کرده‌اند. در آیات قرآن این مضمون آمده است که خدا، آفریدگار همه موجودات است و نیز این مضمون به صراحت در قرآن دیده می‌شود که خداوند هر چه را که آفریده، زیبا آفریده است و از ضمیمه و اقتران این دو مقدمه، می‌توان یک «قیاس منطقی» تشکیل داد که نتیجه منطقی اش چنین است: پس هر چه آفریده شده زیباست. «الله نور السموات و الارض» و تمام هستی از او روشنی یافته است که: «و اشرقق الأرض بنور ربها». دیده زیبانگر و زیبایی‌شناس باید تا بتواند آن غایت حسن و خوبی و منتهای لطف و جمال را به عیان در عالم مشاهده کند و همه عالم را عکس روی او ببیند. عارفان و عالمان اسلامی چنین چشمی دارند و با چنین چشمی به عالم نظر می‌کنند.

ادیان، نه تنها در آموزش‌ها و دیدگاه‌های بنیادین و اصیل خود با زیبایی، زیبادوستی، زیبایی‌شناسی و نیکویی، تضاد، تعارض و خصومتی ندارند که مروج و مشوق آن نیز هستند. تنها یک روح زیباست که می‌تواند خدا را عاشقانه عبادت کند و اسرار آفرینش او را با آن‌همه لطافت و زیبایی که دارند، دریابد و به جهان و موجودات نگاهی زیباشناسانه داشته باشد.

## تاریخچه زیبایی‌شناسی

اگر پیشینه تاریخی زیبایی‌شناسی را در نظر بگیریم به دوران انسانهای اولیه برمی‌گردد که معرفت و شناخت شان از زیبایی را در دل مغاره‌ها به طرح و نقش گاوها و حیوانات وحشی حک کردند. بعد از آنکه انسانها حیوانات را اهلی ساختند و زراعت پیشه شدند، از فراغت شان بهره برده ابزار و وسایل شانرا آراسته‌تر ساختند، دیوارهای خانه‌های شانرا با استفاده از خاک‌های رنگین، گل‌اندود کردند. در تمدن بین النهرین و مصر باستان معابد باشکوهی را ساختند، تندیس‌های زیبا و نقاشی‌های جذاب و گیرایی را خلق کردند که جنبه زیبایی‌نگرانه بخشی از کار شان بوده است. در یونان باستان که آثار هنری بس زیبا و باشکوه خلق می‌کردند، فیلسوفانی چون سقراط، افلاطون، ارسطو، هگل و دیگران نیز از مسئله زیبایی‌شناسی غفلت نورزیده و نظریات شان را در رابطه به زیبایی ارائه داده‌اند. این علم بنام (Aesthetics) یاد می‌شود، که در اصل از واژه یونانی گرفته شده و به معنای مشاهده حسی می‌باشد؛ یعنی چیزهای که توسط حواس محسوس می‌گردد. این مفهوم را برای نخستین بار باوم گارتن (Baum Garton) فیلسوف آلمانی به کار برده است. این فیلسوف بزرگ که طرفدار فلسفه لاینتر بود در کتاب خود که در سال ۱۷۵۰م. تحت عنوان زیبایی‌شناسی به رشته تحریر در آورد.

در گذشته افکار فلسفی از عقاید دینی جدا نبوده؛ چنانکه کیش زردشت و آئین‌مانی و مزدک از جمله، ادیان فلسفی است. تا آنجا که تاریخ به ما نشان می‌دهد افکار فلسفی در قالب دین در ایران از سه‌هزار سال پیش به وسیله زردشت معمول شده ولی در حدود هفت‌قرن پیش از میلاد، فلسفه جدا از دین در سرزمین یونان به وسیله سقراط و افلاطون و ارسطو پدید آمد، پس مهد اولی فلسفه، نخست ایران بوده و سپس به یونان انتقال یافته است.

ابن ندیم در کتاب الفهرست در این باره می‌گوید: «و هرچه دانش و فرهنگ در دفاتر دیوان دولتی و گنجینه‌های فرهنگی در شهر استخر بود همه را رونویس کرده و به زبان رومی ترجمه کرد و پس از آنکه هرچه می‌خواست و نیازمند بود از رونویس

کردن و ترجمه نام‌های فلسفه و هنر و فرهنگ اصول آنها را که به زبان پارسی بود دستخوش آتش نموده و همه را پاک بسوخت.» (صفی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲-۳).

### تعریف زیبایی

اگر چه زیبایی تعریف معین و مشخصی ندارد؛ اما با آنهم دانشمندان و فیلسوفان کوشیده‌اند، بنا به زعم‌شان تعریفی داشته باشند. ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از زیبایی داشت این است که زیبایی کیفیتی است که در اشیاء و پدیده‌ها دیده می‌شود و احساس شادمانی و خشنودی را در نفس بر می‌انگیزد، یا زیبایی صفتی است که به خشنودی و لطف بستگی دارد. واژه (زیبایی) بر اساس تعریف دانشوران لغت، عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شی وجود دارد و عقل، تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط پدید می‌آورد. چنان‌که برخی می‌گویند: «زیبایی به معنای شکوه و زینتی است که بر تصاویر و معانی واقع می‌شود.» و حالتی است که در شخص یا شی زیبا وجود دارد. و از دیدگاه فلاسفه جمال و زیبایی صفتی است که در اشیاء مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و حالت رضایت و شادمانی درون آدمی به وجود می‌آورد. ابن سینا فیلسوف مسلمان ده قرن پیش بر این باور است که: «زیبایی و شکوه هر چیزی عبارت است از این‌که به گونه‌ای باشد که باید باشد.» و استاد محمدتقی جعفری، زیبایی را نمودی نگارین و شفاف بر روی کمال می‌داند که عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع در مجرای بایستگیها و شایستگیهای مربوط به خود. بنابر این، زیبایی وصف و حالت موجود در خارج و عالم عین و وجود است که با ایجاد رابطه بصری و لمس توسط انسان درک می‌شود و احساس خوشایند آن در درون آدمی، سبب ایجاد حالت رضایت و سرور می‌گردد. این چنین حالت روحی برگرفته از فطرت رو به کمال بشر بوده و حالتی نسبی و اضافی است (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۴۶).

### زیبایی از دیدگاه فیلسوفان

ابن سینا فیلسوف مسلمان، ده قرن پیش، بر این باور بوده است که اتصاف (موصوف شدن) هنرها به زیبایی مشروط به زیبایی اهداف و مقاصد آنهاست. می‌گوید: «زیبایی و شکوه هر چیزی عبارت است از این‌که به گونه‌ای باشد که باید باشد» (عمار، ۱۳۸۱: ۱۵).

کانت می‌گوید: «زیبا آن است که لذتی فارغ از بهره و سود بیافریند که این لذت بدون مفهوم و این لذت همه‌گانی باشد و چون غایتی بدون هدف.» کتاب (نقد قوه قضاوت) کانت در حقیقت شاهکار وی شمرده می‌شود در این داوری، مسئله عمده این است که رها از هرگونه منفعت طلبی و از هر سود و بهره عملی اخلاقی است؛ بنابر این می‌توان چنین خلاصه کرد که زیبایی طبیعی و زیبایی هنری به لذت ادراک حسی وابسته بوده؛ نه به شناخت علمی و یا مسئله دیگر. هنگامی که چیزی را زیبا می‌نامیم، حکمی را می‌دهیم که از احکام منطقی متمایز است. و درک زیبایی شی از احکام منطقی و عقلانی جداست، به ادراک حسی یا زیبایی شناسانه باز می‌گردد. داوری یا قضاوت در باره شی آنگاه که به خود آن باز می‌گردد، زیبایی شناسانه است (سلجوقی، ۱۳۹۷: ۳۱).

استیون هولگیت در کتاب تحت عنوان (زیبایی شناسی هگل) ترجمه گلنار نریمانی می‌نگارد که: نزد هگل زیبایی، کیفیات صوری خاصی دارد: زیبایی عبارت است از وحدت یا هماهنگی عناصر مختلف که در آن این عناصر صرفاً به الگو یا طرحی متقارن و نظم چیده شده‌اند، بلکه به صورت انداموار [یا ارکانیک] وحدت یافته‌اند (هولگیت، ۱۳۹۳: ۲۹).

زیبایی از نظر هگل، در یک کلام، میانجی امر حس‌پذیر و امر عقلانی است. به عقیده هگل هنر عبارت از امر عقلانی است که به نحو حس‌پذیر آرایه شده و نمود حس‌پذیر عبارت از صورتی است که محتوای عقلانی از طریق آن جلوه‌گر می‌شود (هگل، ۱۳۹۴: ۶).

هگل بلندترین مظاهر جمال یا زیبایی را در هنر می‌داند؛ معتقد است که هنر همه نقایص جهان طبیعی را رفع می‌کند و در روشنی مثال به اشیای خارجی زندگی روحی می‌بخشد. از نظر هگل، اشکال مختلفه هنر متکی به دو بُعد (شکل و محتوا) بوده

و باید متذکر شد که در هنر شرقی، محتوا آشکارتر می‌باشد. بنابر عقیده هگل، اثر کامل هنری آن است که میان درونمایه معنوی و صورت جسمانیت حس پذیر آن یک هماهنگی کامل وجود داشته باشد. انواع روابط ممکن میان عنصر معنوی و مادی در آن اثر هنری است که انواع مختلف هنر (هنر سمبولیک، کلاسیک و رومانتیک) را ایجاد می‌کند (سلجوقی، ۱۳۹۷: ۳۱). نکته‌ی دیگری را که مورد نظر داشت این است که وقتی ما در مورد زیبایی صحبت می‌کنیم، اصل لذت‌بخشی نیز مد نظر است. همه‌ی هنرمندان نیت شان لذت‌بخشیدن است. ساده‌ترین و معمول‌ترین تعریف، تعریف هنر این است که بگوییم هنر، کوششی است، برای آفرینش صور لذت‌بخش. این صور حس زیبایی ما را ارضا می‌کنند و حس زیبایی وقتی راضی می‌شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسی خود دریافت کرده باشیم.

هر نظریه‌ی کلی در باب هنر باید با این فرض آغاز شود که انسان در برابر شکل و سطح و حجم و اشیایی که حاضر بر حواس او باشند، واکنش نشان می‌دهد. بعضی از آرایش‌ها در تناسب شکل و سطح و حجم و اشیا منجر به احساس لذت می‌شوند. در حالی که نبودن آن آرایش‌ها باعث بی‌اعتنایی و اشمئزاز است. بنابراین حس تشخیص روابط لذت‌بخش، همان حس زیبایی است و حس مقابل آن عبارت است از حس زشتی (رید، ۱۳۹۰: ۲).

بنابراین اگر زیبایی شرط لازمی برای هنر نیست، ولی می‌تواند جزء مهمی از هنر و بحث‌های مربوط به هنر باشد؛ اما این موقعیت هم مورد مناقشه بوده است. پاسمور می‌گوید: "به نظر می‌رسد هنرمندان هیچ نیازی به آن ندارند؛ فقط این کافه-نشین‌ها، فلسفه‌باف‌ها و تقویم‌سازها هستند که از زیبایی حرف می‌زنند." ویتگنشتاین هم مدعی است که در بحث‌های واقعی در باره‌ی هنر، واژه‌ی زیبا چندان نقشی ندارد (هنفلینگ، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۶).

با این لحاظ اگر به تاریخ هنر نگاهی بیندازیم خواهیم دید که موضوع زیبایی در حیطه هنر، مدام یکی از موضوعات پرمناقشه است. این امر تا جایی پیش رفته که گاهی زیبایی بخش لاینفک هنر می‌باشد؛ اما در مواردی هنرمندان به عمد جنبه‌ی زیبایی را از آثار شان حذف می‌کنند. مثلاً برخورد هنرمندان سنتی، مدرنیست‌ها و پست‌مدرنیست‌ها کاملاً متفاوت است. در هنر سنتی و کلاسیک تمام تلاش هنرمندان این است که آثار شان را هرچه زیبا و باشکوه‌تر خلق کنند. به طور نمونه می‌توان از کلیسای سان پیترو در مونتوریوی روم یادآور شد.

برامانته با عشقی که به تقارن و تناسب داشت، کلیسای مربع‌شکلی را طراحی کرد که نمازخانه‌های آن به‌طور متقارن در چهار گوشه‌ی یک تالار صلیب‌شکل غول‌آسا قرار می‌گرفتند. سقف این تالار را گنبدی عظیم می‌پوشاند که بر قوس‌های بسیار بزرگی تکیه می‌کرد، به گونه‌ای که مدال یادبود آغاز ساختمان کلیسای سن‌پی‌یر، بازنمایی آن است. نقل است که برامانته امید داشت که بتواند از جلوه‌ی معماری بزرگ‌ترین ساختمان باستانی روم، یعنی کولوسئوم که هنوز خرابه‌ها و بازمانده‌های برافراشته‌ی آن چشم هر سیاحی را در روم خیره می‌کرد- با معماری پانتئون تلفیقی به عمل آورد (گامبریج، ۱۳۸۰: ۲۸۱).

چنانچه در فوق دیده شد زیبایی و شکوه بخشی مهمی از هنر است؛ اما در هنر مدرن از اهمیت آن کاسته می‌شود. تجربه‌ی مدرن در نقاشی همانا معطوف شدن به مسائل خاص فرم، ترکیب، رنگ، سطح، بافت و فاصله‌گرفتن از هر گونه مضمون دیگر است. در این رهیافت، نقاشی در خدمت نقاشی و یا "هنر برای هنر"، جلوه‌ی بارز رویکرد مدرنیستی شد؛ رویکردی که نقاشی را همانند "ریاضیات محض" از هر گونه کارکرد محتوایی دور می‌ساخت. امر زیبایی در این دیدگاه، معطوف به دغدغه‌ها و مسائل خاص و فرم و ترکیب است و نه ارایه‌ی موضوع یا بیان مضامین خارجی (سمیع آذر، ۱۳۹۵: ۱۰). همان‌طوری که تذکر یافت، در هنر مدرن رد پای از زیبایی را می‌توان مشاهده کرد؛ اما در "هنر مفهومی" هنرمندان نه تنها با امر زیبایی سر ستیز دارد که بر ضد هنر مدرن نیز شورش کرد.

استقرار ایده و اندیشه در مرکزیت هنر، به طور قهری به ستیز با زیبایی‌شناسی و افول عناصر ساختاری هنر تجسمی منتهی می‌شد؛ در حالی که کاربست زبان، هنر مفهومی را به گستره‌ی جدید مباحث جدید نشانه‌شناسی وارد کرده و دریافت‌های نوینی را به عرصه‌ی جدید همچون عکس، ویدیو، چیدمان و اجرا منجر شد و در اندک زمان پهنه‌ی وسیعی از روش‌ها و امکانات جدید بیان هنری را فراسوی این هنر قرار داد (سمیع آذر، ۱۳۹۶: ۵۷).

## زیبایی از دیدگاه منابع اسلامی

وقتی با دیده اندیشه به عالم وجود می‌نگریم دو نوع زیبایی را می‌بایم. یکی زیبایی‌هایی که بدون تصرف آدمی در سطوح جهان هستی زیباست. دیگر آن که پدیده‌هایی که با خلاقیت خدادادی انسان و به کوشش او به وجود می‌آیند، می‌خواهیم به بررسی زیبایی از دیدگاه شریعت در دو گونه آن پردازیم و سپس به هدف و فرجام زیباییابی اسلام توجه کنیم که اسلام تنوع ابعاد مختلف زیبایی را مهم و حکمت وجودی آن را در عالم هستی و چگونگی بهره‌برداری و عبرت آموزی از آن را با تأکید بیشتری مورد توجه قرار می‌دهد.

خداوند (جل جلاله) در وجود انسانها حس زیبایی را به ودیعت نهاده و انسانها ذاتاً زیبایی را دوست دارند. لذا شناخت زیباییها هم به دنبال دوست داشتن آنها و بلکه پیش از دوست داشتن ضرورت پیدا می‌کند. اگر چه ترتیب منطقی این است که ابتدا چیزی را بشناسیم و سپس آن را دوست داشته باشیم و یا اینکه از آن متنفر شویم. اما فطرت انسانی این ترتیب را به هم می‌زند زیرا مقوله عشق و عقل، مقوله وسیع و بسیار پُر طمطراق است. آیا انسانها ابتدا عاشق می‌شوند و بعد عاقل یا اینکه ابتدا عاقلند و سپس عاشق می‌شوند؟ به هر تقدیر، محبت در وجود انسانها فطری و ظاهراً مقدم بر معرفت است. به همین خاطر ضرورت دارد که در آغاز معیارهایی برای تنظیم محبت وجود داشته که با هوا و هوس در نیامیزد. اصولاً دین برای روشمند و قانونمند کردن حس‌های مختلف موجود در انسان، از جمله حس زیبایی‌دوستی و زیبایی‌شناسی قواعدی را عرضه می‌کند که به کار بستن آن قواعد استفاده از زیباییها را نهادینه و منطقی و مطلوبتر می‌کند (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۵۰).

همچنان در این مورد مکارم شیرازی با نقل از امام صادق (علیه‌الرحمه) در تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۳۵۹ فرموده: "الحب فرع المعرفة" یعنی محبت فرع شناخت و معرفت است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۵۹).

در کتاب احیاء علوم‌الدین امام غزالی آمده است: «هر کس بهار و گلهايش، عود و آوازش او را برنینگیزاند، مزاجش فاسد گشته و درمانی ندارد. آنکه سماع تحریکش نکند؛ ناقص نامتعادل، و از روحانیت به دور است و در درشتخویی و خشونت طبع، از شتران و پرندگان و بلکه تمامی حیوانات پیشی گرفته است چرا که حیوانات از نغمه‌های موزون تأثیر پذیراند. لذا حکم سماع وابسته به تأثیری است که در دلها می‌گذارد.» بنابر این آواز برای نظم زندگی ضرورت دارد به گونه‌ای که آن را بخشنده ثمراتی می‌سازد که از آن امید می‌رود (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۳۱۱-۱۳۱۲).

از دید اسلام و قرآن غور نمودن بالای مفهوم زیبایی و پژوهش در عرصه شناخت زیبایی از یکسو حس زیباییابی را در انسان بیدار می‌سازد و از سوی دیگر نقطه عطف است، برای زیابودن، زیبایستن و زیبارفتن علاوه بر آن راهکارهایی را برای پیمودن این مسیر زیبا، برای پژوهنده و سالک پیشکش می‌نماید و این ضمانت را نیز با خود دارد که از لغزیدن که کمال انسانی (انسانیت) او را در مورد پرسش قرار می‌دهد جلوگیری می‌نماید و بار دیگر به یاد می‌آورد که ای انسان تو زیبا آفریده شده‌ی و استعداد و زیباییابی در وجود تو نهفته است، و اگر خود در پی شگوفا شدن آن باشی، می‌توانی خودت را آنچنان که هستی در میان سایر مخلوقات دریایی و راهی به سوی کمال مطلوبت پیدا کنی. در اینجا لازم است که زیبایی‌شناسی دینی را تعریف کنیم: زیبایی‌شناسی دینی عبارت از آن ابتهاج و احساس لطیفی است که در مواجهه با هستی به اهل ایمان دست می‌دهد و به لحاظ فزیولوژیکی، تمام ارگانیزم اهل ایمان را متأثر می‌سازد عواطف آنها را بر می‌انگیزد و غوغا و هیجانهای بزرگ در اندرون شان برپا می‌کند. مؤمن نیز به نوبه خود نگاه هنرمندانه به جهان دارد و در آن تأثیر معنوی می‌یابد و احساس خوشی و سرور پیدا می‌کند، حس زیبایی‌شناسی دینی در او نوع خاطر خواهی و همدلی پدید می‌آورد و آتش بر خرمین خود خواهی‌های پست محدودش می‌زند و آنها را از بین می‌برد. خداوند (جل جلاله) در قرآن مجید این زیبایی را با لغت موزون بیان کرده است چنانچه می‌فرماید: (وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ) حجر: آیه ۱۹، ترجمه: ما در روی زمین همه چیز را موزون رویاندیم. که موزون به معنای کمال زیبایی می‌باشد و یکی از ملاک‌های اصلی در شناخت زیبایی نیز هست. اما نکته‌ی ضمنی آن این است که این زیبایی‌ها جلوه‌ی او هستند و هیچگاهی زیبایی از زشتی و یا عدم به وجود نمی‌آید بلکه زیبایی مطلق وجود دارد که منشأ همه زیبایی‌هاست (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۴۰).

هرگاه ما به منابع اسلامی مراجعه کنیم، می‌بینیم که هر دو نوع زیبایی (زیبایی موجود در جهان هستی و زیبایی که با فکر و دست آدمی به وجود می‌آید، مطرح است) به این معنا که همه پدیده‌های که بدون اختیار ما در سطح جهان هستی و زیبایی که با فکر و دست آدمی به وجود می‌آید، مطرح است. به این معنا که هر پدیده‌ای که بدون اختیار ما در سطح جهان هستی زیبا است، مطرح است و هم پدیده‌هایی که با تخیل و استعداد اخلاق و کوشش عضلاتی ما به عنوان زیبایی به وجود می‌آیند، نیز مطرح است. ولی چگونگی ارتباط قطب ذاتی (انسان) با زیبایی و هدف‌گیری از زیباییایی فرق می‌کند یعنی انسان از زیبایی‌ها به چه منظور و به کدام طریق استفاده کند و چه چیز را زیبا تلقی کند.

از دیدگاه اسلام به وجود آوردن زیبایی‌ها برای انبساط روحی مانعی ندارد. که این مسئله در مباحث هنری مطرح می‌شود. آیات فراوانی که تاکنون در باره زیبایی مطرح شده است، به خوبی اثبات می‌کند که زیبایی و توجه به آن نه تنها جایز است، بلکه با در نظر داشت نیازهای روحی که بشر به زیبایی‌های محسوس دارد، محبوب و مطلوب است. و از طرف دیگر می‌دانیم که نیازهای مادی و معنوی بشر در زیبایی‌های محسوس خلاصه نمی‌شود. به همین جهت اسلام برای انسانها هشدار جدی می‌دهد که بیاد داشته باشید که هر زیبایی و آرایشی که همه سوگیرهای غیر عقلانی بشر و خواهشات شوم نفسانی در به وجود آوردن آن دخالت بورزد، نمایانگر حقیقت و در خور شأن واقعی و کمال آدمی نیست. و زیبایی نباید حجابی برای پوشاندن واقعیات و توجیه پلیدی‌ها بوده باشد؛ ما در اسلام سه نوع زیبایی داریم که می‌توانند مردم را بفریبند.

۱. خطر بزرگ سخنان زیبا: این خطر ما را چه در قالب شعر و چه در قالب نثر و سخن بیان شده باشد، دنبال می‌کند. اگر کسی با نظر به نتایج دغل‌بازی و فریبکاری‌هایی که از نمایش زیبایی و آراستن سخنان و الفاظ برای اجرای مقاصد شوم و نیت‌های پلیدی که در طول تاریخ نصیب بشریت شده است، چنین ادعا کند که اکثر ضرر و زیان‌های جانی و مالی و ارزشهای انسانی، مربوط به فریبکاری به وسیله الفاظ ظاهراً زیبا؛ مردم فریب آنرا خورده‌اند و به گودال افتیده‌اند، ادعای واقعی و درست است (جعفری، ۱۳۶۹: ۱۳۸).

۲. آرایش جسمانی ظاهری با حیات خشکیده: آنچه که منطق همه جانبه اصول انسانی ایجاب می‌کند این است که محتوای سالم و با شکوه وجود انسانی با ظاهر زیبا توأم بوده باشد. زیبایی ظاهری انسان‌ها امری است شایسته، مشروط بر اینکه سرپوش کثافت‌ها و پلیدی‌های درونی نباشد، که در آن موقع موجودیت چنین انسانی مانند زهر کشنده در شیشه زیبا است. مردم همه جوامع و همه اعصار هرگز از ظاهر جسمانی نازیبای آن صدمه و ضرر را ندیده‌اند که از انسانی با درون پلید و زشت اما با صورت ظاهر زیبا و آراسته دیده‌اند. و زیبایی باطنی انسانها عبارت از تعقل و اندیشه صحیح و وجدان پاک و بی‌آلایش و متنفر از باطل و زشتی‌ها است.

۳. زیبایی صوری در بکار انداختن گردونه تناسل: این زیبایی در پدیده زناشویی قابل بحث است. یعنی شخص دنبال زیبایی صوری نباید برود، بلکه زیبایی معنی و باطن مقدم بر زیبایی صوری است. البته نه اینکه زیبایی صوری مطلوب نیست، بلکه از دیدگاه اسلام نیز محبوب است، اما اگر آدمی در انتخاب همسر خود میان زیبایی صوری و زیبایی معنوی مخیر باشد، جمال معنوی مطلوب‌تر است. در این پدیده حیاتی باید دقت شود که زیبایی صوری برای خانم مانند قدرت برای مرد هاست که اگر از تربیت انسانی اسلام برخوردار نباشد، مانند چاقوی بُرانی است که به دست کودک داده باشند. زن زیباصورت و دور از اخلاق از دیدگاه اندیشمندان برخی از صفات، در نهاد و فطرت انسان به ودیعه گذاشته شده است. یکی از ویژگیهای فطری انسان زیباخواهی و زیباجویی است. از سوی دیگر دین اسلام به عنوان کامل‌ترین آئین عملی و علمی انسان، برنامه‌ای را ارائه می‌دهد که همراه و مطابق با فطرت و احساسات بشر باشد. از این‌رو بررسی و کاوش در دیدگاه اسلام در زمینه زیبایی و تجمل‌داری اهمیت بسزایی است. از تعریف زیبایی به بررسی زیبایی‌های وجودی که در آیات و روایات آمده است؛ می‌پردازد. توجه به جمال خداوندی، زیبایی آسمان و ستارگان، خلقت زمین و حیوانات، دریا از جلوه‌های ناب زیبایی به شمار آمده‌اند. از سوی دیگر، در بیان قرآن و سنت، افعال و رفتارهایی به زیبایی توصیف شده‌اند. قرآن کریم ایمان را زینت قلب‌ها معرفی می‌کند. اسلام زیبایی و بردباری و حتا مفارقت و جدایی را مورد توجه قرار داده و انسان را به سوی آنها فرا می‌خواند (همان: ۱۴۱-۱۴۲).

اسلام تجلی را جایگزین تجسد مسیحی و بودایی کرد. تجسد میل ذاتی هنر به گسترش ابعاد در جهان ماده را از برای تقلید از ماده فراهم کرد و تجلی ماهیتاً از گستره ابعاد می‌کاست (شاید یکی از ادله دو بعدی بودن نگارگری‌های اسلامی همین باشد). در این قاموس و چنین قلمروی، اسلام کلمه را مرتبت علیا بخشید: «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا» (توبه: ۴۰) و به جای تجسد تحریف گونه آن (همچون مسیحیت) بدان فرازی عظیم بخشید تا ارواح و جان‌های عکس‌ناک (خطرناک) را به ستیغ معنا بالا کشد و از سفلی جسمانیت ماده بکاهد. این فرازی کلمه وسعت و تعالی بی‌حد و حصری به آن بخشید و در عین حال متنش چنان رازی پروراند که توانست هنر کلمه محور (و نه تصویر محور) پدید آورد. به تاریخ مشحون و مملو از شکوه و جلال کلمه در تمدن اسلامی بنگرید؛ اشعار عظیم عربی و فارسی، به ویژه فارسی، چنان شکوهی به کلمه بخشید که حافظ، مولانا، سعدی، سنایی، عطار، جامی، ابن عربی، شیخ اشراق و ملاصدرا تنها جلوه‌های از این شکوه‌اند.

بنا به قداست ذاتی کلمه، ما میراث بر کلمه شدیم نه تصویر. به همین دلیل در خوشنویسی، تذهیب، نظم و زیبایی کلام چه اعجازها که نکردیم؛ اعجازهای که از کلمه و رمز و راز آن ساطع شدند. گرچه هنرمندان مسلمان در نگارگری تصاویر شگفت و بس‌زیبا آفریدند، آن‌جا نیز تصویر در خدمت کلمه بود. اگر رمز و راز کلمه در اسلام و حیات پیامبر (صلی‌الله‌علیه و سلم) نبود (که در کتاب عظیم قرآن متجلی شده) چگونه تاریخ از شکوه‌مندترین جلوه‌های کلامی، بصری و معماری در تمدن اسلامی روایت‌های بی‌شماری در بطن خود دارد؟ (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲).

زیبایی خداوند (جل جلاله): درک انسانی، با توجه به این که همه زیبایی‌های قابل تصور را او به وجود آورده است؛ می‌یابد که جمال و زیبایی او فراتر از همه زیبایی‌ها محسوس و معقول است که در دو قلمرو انسان و جهان هستی قابل دریافت است. زیبایی عالم وجود: بیشک هر انسانی، آن‌گاه که به تماشای صحنه‌های مختلف عالم هستی می‌پردازد از دیدن پاره‌ای از آنها چنان لذت می‌برد که در صدد تکرار تحقق آن لذت و سرور برمی‌آید و از برخی دیگر به رنج عاطفی گرفتار می‌آید و خویش را از دیدن آن دور می‌سازد. قرآن کریم، بارها زیبایی‌های وجودی عالم هستی را یادآور می‌شود و به ترسیم تصویری گویا و زنده از آن مبادرت می‌ورزد و پیامد آن هدف نظاره کردن آنها را گوشزد می‌نماید (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۵۲).

در چندین مورد از آیات قرآن کریم، به زیبایی آسمان و آراستن آن به ستارگان تصریح شده است و خداوند (جل جلاله) عمل زیباسازی آن‌را به طور مستقیم به خود نسبت می‌دهد و با برقراری رابطه زیبایی میان آسمان و ستارگان و تشبیه‌های گوناگون، به نگرستن و توجه به این زیبایی تأکید می‌ورزد: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ صَافَاتٍ آيَةٌ ۶، یعنی: به راستی، آسمان دنیا را به زیورستارگان آراستیم. «وَّ زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» فصلت: آیه ۱۲، یعنی: و ما آسمان دنیا را به چراغها (ستارگان) آراستیم و آن‌را به خوبی حفظ کردیم، این است اندازه آفرینی آن پیروزمند دانا. «و لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زِينَاتٍ لِّلنَّاطِرِينَ» حجر: آیه ۱۶، یعنی: و به یقین، در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن‌را برای بینندگان آراستیم. «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيْنَاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ» ق: آیه ۶، یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نظاره نکردند که چگونه آن‌را ساخته و زیبا گردانیدیم و هیچ شکافی در آن وجود ندارد. خداوند متعال در این آیات، انسان را به تفکر در زیبایی آسمان به ویژه آن زمان که ستارگان همچون چراغهای زیبا در آن می‌درخشند؛ فرا می‌خواند. اصل خلقت آسمان بدون شکاف و آراسته به ستارگان تنها برای حفاظت و نفع‌رسانی نیست بلکه بدین منظور است که هر بیننده هنگام تماشای آن سرور لذت بخش حاصل از زیبایی‌اش را در خویش بیابد و از آن احساس لذت نماید، تا اصل تکوین آن و آراستن آن به برجها و چراغها او را به تفکر و شناخت آفریدگار آنها واصل نماید.

خداوند (جل جلاله) در سوره (تین) پس از آوردن قسم‌های چهارگانه (قسم به انجیر و زیتون، طور سینین و شهر امن (مکه) می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» تین: آیه ۴، یعنی: هر آینه ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده‌ایم. بهترین و زیباترین تقویم، با گستردگی مفهومی خود، این مطلب را بیان می‌کند که خداوند (جل جلاله) انسان را موزون و شایسته آفرید. بنابر این، دو جهت اصیل انسانی یعنی جسمی و روحی، در زیباترین شکل موزونی آفریده شده است. عظمت تقارن زیبایی خلقت فیزیکی و روحی انسان تا آنجاست که تاکنون هیچ تحقیق بشری ادعا نکرده است که همه عظمت فعالیت‌های مغزی و روانی انسان را احاطه کرده است. در دو سوره دیگر نیز می‌فرماید: «وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» غافر: آیه ۶۴،

یعنی: و صورت شما را کشید و این صورتگری را زیبا و نیکو انجام داد. چه در مقایسه با صورت دیگر جانوران و چه از جهت نیکویی خلقت انسان و تناسب و هماهنگی میان اندامش، زیباترین تصویر را برایش ایجاد کرده است که اگر نگاه طبیعی و بدون غبار به آن بنگری نوعی نیکویی و زیبایی کلی را در آن می‌یابی (همان: ۵۵-۵۶).

قرآن کریم به تصویر جامعی از فواید حیوانات برای انسان می‌پردازد؛ زیرا وسیله پوشش، استفاده از گوشت، حمل بارهای سنگین و منفعت‌های دیگر، توسط چهارپایان صورت می‌گیرد. ولی تنها به سودرسانی مادی آنها برای انسان بسنده نمی‌کند؛ بلکه با توجه به زیبایی حرکت آنان برای انسان می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» نحل: آیه ۶، یعنی: و در آنها برای شما منظره زیبایی است که در هنگام شامگاهان آنها را به جایگاه خود بر می‌گردانید و صبحگاهان که آنها را به چراگاه می‌برید. منظره جالب و زیبای حرکت دسته‌جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی چراگاه، سپس بازگشت شان به سوی استراحت‌گاه بیانگر یک حالت روانی تحقق یافته در انسان نظاره‌گر بر آنهاست که از دو نوع حرکت دسته‌جمعی ایجاد شده است. در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» نحل: آیه ۸، یعنی: و همچنین اسبها و اشترها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و هم مایه زینت شما باشد و چیزهایی می‌آفریند که شما نمی‌دانید. این آیه نیز زینت بودن این حیوانات را برای انسان، آن هنگام که بر آنها سوار می‌شود تصویر می‌کند و این نوعی از زیبایی است که در زندگی اجتماعی ظاهر می‌گردد؛ زیرا سواره به حرکت در آمدن نشاط و وقار بیشتری دارد. البته با بیان این نکته در پایان آیه که مرکب‌های دیگر در آینده می‌آفریند و در اختیار بشر قرار می‌دهد نیز به زیبایی آنچه در آینده خلق می‌کند اشاره می‌کند: «وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» نحل: آیه ۸. در ضمن، امیرالمؤمنین علی (رضی الله عنه) به توصیف طاووس پرداخته است و آن را از شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش معرفی می‌کند؛ زیرا پرهایش همچون دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۶۰).

در آیات متعددی از قرآن کریم، در باره زیبایی منظره‌های زمین، سخن به میان آمده است که خداوند (جل جلاله) انسانها را به این مناظر زیبا توجه می‌دهد و به تفکر و دقت در آن فرا می‌خواند: «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» نمل: آیه ۶۰، یعنی: و برای شما از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن آب باغ‌هایی سرورانگیز و بهجت‌آور (تازگی) رویانیدیم. در این آیه، نمودهای زیبایی زمین به وسیله گل‌ها، درختان و چمن‌زارها و دیگر رویدنیها، به خداوند (جل جلاله) نسبت داده شده است تا سبب سرور و بهجت انسان بیننده آنها شود. در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» حج: آیه ۶۳، یعنی: آیا ندیدی که خداوند از آسمان آب فرستاد و زمین سبز و خرم گشت، بی‌شک خداوند لطیف و آگاه است. فرستادن آب از آسمان و به دنبال آن سبز و خرم شدن زمین لطفی از سوی خداوند (جل جلاله) به شمار رفته است. در این مورد حضرت علی (رضی الله عنه) در سخنی زیبا، زینت زمین را این‌گونه بیان می‌کند: «پس زمین به وسیله باغ‌های زیبا، همگان را به سرور و شادی دعوت کرده است. با لباس نازک گلبرگها که بر خود پوشید، هر بیننده را به شگفتی واداشت و با زینت و زیوری که از گل و بند گل‌های گوناگون، فخرکنان خود را آراست هر بیننده را به وجد آورد.» در برخی از آیات نیز به جنبه دیگری از زیبایی زمین اشاره شده است که شما انسانها در زمینهای هموار قصرها ساختید و از کوه‌ها خانه‌ها برای خویش تراشیدید. این سخن، اشاره است که به وجود آوردن آنچه که زینت و زیور به حساب می‌آید از دیدگاه قرآنی جایز است؛ اما در پایان آیه به این نکته توجه می‌دهد که با به یاد آوردن این نعمتهای خداوندی در زمین کار زشت انجام ندهید و فساد به راه نیندازید تا خلق و ابداع زیبایی، مطلوب بودن خویش را از دست ندهد (همان: ۶۲-۶۳).

از دیدگاه قرآن مجید، رنگ، عبارت از آن نشانه‌هایی هستند از وجود ذات باریتعالی برای کسانی که نعمت‌ها و آیت‌های خداوند را یادآور می‌شوند و به آنها می‌اندیشند و این گونه پدیده هنر را سرسری نمی‌گیرند. این افراد معمولاً در زمره علماء و متفکرین- اند: «وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ» نحل: آیه ۱۳، و آنچه رنگارنگ در زمین برای شما آفرید، همانا در این نشانه‌ای است برای گروهی که خداوند و نعمتهایش را یادآور می‌شوند (معمارزاده، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

هر انسانی که به دریا بنگرد و یا از آنچه در اعماق اقیانوس‌ها وجود دارد اطلاع داشته باشد، به زیبایی آن اذعان (اقرار و اعتراف) می‌کند و ما می‌خواهیم بگوییم در بیان دین نیز به این زیبایی‌ها توجه شده است و بر جواز استفاده از این زینتها اشاره می‌کند:

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا» نحل: آیه ۱۴، یعنی: و او خدایی است که شما را بر دریا مسلط کرد، تا از آن گوشت تازه بخورید و وسایل زینت را که می‌پوشید از آن بیرون بیاورید. در این آیه برای مسلط ساختن انسان بر دریا دو علت و غایت ذکر شده است: استفاده از گوشت ماهیان دریا و استخراج مواد زینتی. آبهای نیلگون دریاها، آنگاه که کشتی‌های غول‌پیکر بر روی آن به حرکت در می‌آیند برای هر بیننده در عین زیبایی نشانه‌ای برای تعظیم در برابر قدرت لایزال الهی است و آیل (آب سبزر چرکین) آنها را غرض و هدف از خلقت و تسخیر دریا معرفی می‌نماید (ولیزاده، ۱۳۸۵: ۶۶).

آنچه با بررسی و پژوهش در هدف حکمت و فلسفه زندگی انسان از دیدگاه اسلام روشن خواهد شد این است که خداوند (جل جلاله) همه وجود را برای انسان و در تسخیر او خلق کرده است؛ ولی این پایان غایت مطلوب دینی نیست بلکه برای انسان نیز فرجام و هدفی بسیار مقدس تصویر می‌کند و آن را محور اصلی تلاش و ارسال رسولان معرفی می‌نماید. قرآن کریم هدف خلقت انسان را تکامل و رسیدن به عبودیت می‌داند و می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات: آیه ۵۶، یعنی: ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای این که عبادت نمایند.

بی‌نیازی خداوند (جل جلاله) ما را به این نکته رهنمون می‌شود که هدف او از آفرینش انسان به او بازگشت نمی‌کند؛ بلکه به مخلوقات باز می‌گردد و مایه کمال خود آنهاست. این آیه بر مسئله عبودیت و بندگی تکیه می‌کند و با صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انسان معرفی می‌نماید و اگر در برخی از آیات هدف اصلی خلقت مرگ و زندگی را آزمایش انسان معرفی می‌کند. و یا اگر خلقت آسمانها و زمین را غایت دانستن و علم پیدا کردن به خدا (جل جلال) و توانایی او می‌داند، بازهم هدف اصلی همان عبودیت است. مسئله (امتحان و آزمایش) و (علم و دانش) اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند و دستیابی به رحمت بی‌انتهای الهی نتیجه این عبودیت و بندگی است. این هدف و روح اصلی اسلام در مسئله مورد پژوهش و بحث، اسلام و زیبایی، نیز تبلوری ویژه دارد و در هر سه محور زیبایی‌های وجودی، توصیف افعال به زیبایی و دستور به زیبایی و آراستن نیز مورد توجه قرار دارد (همان: ۷۱).

### نتیجه گیری

اصل زیبایی‌نگری و زیبایی‌شناسی جزء مسلم زندگی انسان‌هاست. بدین لحاظ انسان‌ها مدام در پی زیبایی بوده و تا جایی که توانسته‌اند محیط زندگی شان را زیبا بسازند. از همین جاست که نقش انسان در زیباسازی و زیبایی‌شناسی در کنار زیبایی‌های طبیعی که کار خداوند است، مطرح می‌شود. اگر طبیعت به خودی خود زیباست؛ اما انسان‌ها با دید هنرمندانه شان در آن تداخل کرده آن را زیباتر ساخته است. از سویی دیگر آیات و نشانه‌های الهی با یادآوری مظاهر زیبایی در آفرینش از انسان می‌خواهد تا با توجه به جلوه‌های خلقت وجودی، ستایشگر آفریننده آنها شود و بداند که زیبایی خلقت انسان، زمین، آسمان، ستارگان و ... همه او را به سوی خداوند (جل جلاله) دعوت و رهنمون می‌کنند.

افزون بر این، توجه و تأکید بر زیبایی‌ها برخی از رفتارها و افعال بدین جهت صورت گرفته است که همگان را به سوی آنها با شوق و رغبت دعوت نماید و انسان را از زیبایی‌های ظاهری به زیبایی‌های حقیقی‌تر و باطنی فراخوانده تا فهم اهمیت روح زیبا را در مقابل ظاهر زیبا برای بشر فراهم سازد. در مرتبه فراتر از زیبایی‌های وجودی و توصیف رفتارهای زیبا، از دیدگاه اسلام به وجود آوردن زیبایی‌ها برای انبساط روحی مانعی ندارد. آیات فراوانی که تاکنون در باره زیبایی مطرح شده است، به خوبی اثبات می‌کند که زیبایی و توجه به آن نه تنها جایز است، بلکه با در نظر داشت نیازهای روحی که بشر به زیبایی‌های محسوس دارد، محبوب و مطلوب است.

## **Aesthetic study of the philosopher's opinions and Islamic sources**

First author: Abdul Haq Noori, assistant professor at Balkh University

### **Abstract:**

Beauty is one of the three concepts to which value judgments are attributed. Kant (the great German philosopher 1724-1804 AD) said: that Beauty is something that arouses the satisfaction of the soul without the imagination, or in other words, beauty is what makes us feel happy without seeing it and also without any benefit. The relation of beauty and ugliness to passivity is like the relation of good and evil to action and the relation of right and wrong to reason. Beauty is synonymous with goodness and virtue, which means proportion and harmony between the components of an object. It is stated in the authoritative book of hadith (Muslim Sharif) that: "Allah is the most beautiful of the beloved", meaning that God (the Exalted) is beautiful and loves beauty. In addition, divine verses and signs, by reminding the manifestations of beauty in creation, ask the human to admire their creator according to the manifestations of existential creation and to know that the beauty of human creation is earth, sky, stars, and ... Everyone invites and guides him to God.

**Keywords:** human, beauty, aesthetics, nature, and art

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۰ ه. ش)، *فلسفه هنر اسلامی* (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۳. جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۹ ه. ش)، *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، چاپ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴. رید، هربرت. (۱۳۹۰ ه. ش)، *معنی هنر*، مترجم: نجف دریابندری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۵. سلجوقی، عابده. (۱۳۹۷ ه. ش)، *زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر*، کابل: انتشارات آریانا
۶. سمیع آذر، علی رضا. (۱۳۹۵)، *اوج و افول مدرنیسم*، تهران: موسسه چاپ و نشر نظر
۷. سمیع آذر، علی رضا. (۱۳۹۶)، *انقلاب مفهومی*، تهران: موسسه چاپ و نشر نظر
۸. صفی‌زاده، صدیق. (۱۳۸۶ ه. ش)، *تاریخ فلاسفه ایران*، تهران: ناشر اندیشه خلاق
۹. عماره، محمد. (۱۳۸۱ ه. ش)، *اسلام و هنرهای زیبا*، ترجمه مجید رستگار، تهران: نشر احسان
۱۰. غزالی، ابو حامد امام محمد. (۱۳۶۱ ه. ش)، *احیاء علوم‌الدین*، ترجمه مؤیدین محمد خوارزمی، تهران: انتشارات بنگا
۱۱. گامبریچ، ارنست. (۱۳۸۰ ه. ش)، *تاریخ هنر*، مترجم: علی رامین، تهران: انتشارات نشر نی
۱۲. معمارزاده، محمد. (۱۳۸۶ ه. ش)، *تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی*، تهران: ناشر دانشگاه الزهراء
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰ ه. ش)، *تفسیر نمونه*، ج ۹ چاپ سی‌وهفتم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه
۱۴. ولیزاده، عبدالرسول. (۱۳۸۵ ه. ش)، *فلسفه زیبایی‌شناسی*، کابل: انتشارات آریانا
۱۵. هگل، گیورگ ویلهلم فریدریش. (۱۳۹۴ ه. ش)، *مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی*، ترجمه ستاره معصومی، تهران: نشر آرشام
۱۶. هنفلینگ، اسوالد. (۱۳۸۴ ه. ش)، *چیستی هنر*، مترجم: علی رامین، تهران: انتشارات هرمس
۱۷. هولگیت، استیون. (۱۳۹۳ ه. ش)، *زیبایی‌شناسی هگل*، ترجمه گلنار نریمانی، تهران: نشر ققنوس